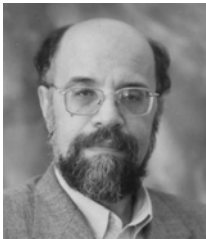


□ سال ۱۳۸۲، حوزه‌ی نشر، شاهد انتشار کتابی بود که سال‌ها محققان و مشتاقان علم حقوق و سیاست و جامعه‌شناسی و تاریخ، در انتظار آن بودند. هرچند که تا این زمان، کتب و مقالات متعددی در زمینه‌ی تاریخ حقوق در ایران چاپ و منتشر شده، اما **تاریخ حقوق ایران** تألیف پرفسور سیدحسن امین با حجم حدود ۹۰۰ صفحه، در حقیقت، هم تاریخ ایران است و هم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نجد ایران، همراه با پیدایش و تحول و تکامل قانون و نظام حقوقی در ایران از پگاه تاریخ، یعنی تجمّع‌های بدوی پیش از آریاییان تا سال ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی).

برای ورود و بررسی و تجزیه و تحلیل هر نظام حقوقی، لازمه‌ی آن شناخت مناسبات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مردم و فرهنگ و ادب و باورهای دینی آنها می‌باشد و لذا اقتضا می‌نماید که برای تألیف چنین کتابی - همان‌گونه که در سایر کشورها مرسوم است - گروهی از محققان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، دست‌به‌دست هم دهند و به این مهم اهتمام ورزند. اما در ایران، شاید جامعیت و دانش وسیع آقای

رسیده است. دایره‌المعارف‌نگار و سردبیر اسبق مجله **کلک** و **ایران‌مهر** و مدیرمسئول ماهنامه‌ی **حافظ** است و این بضاعت علمی است که چنین اثری را به‌وجود می‌آورد و در آن آن‌جایی که برای مستند نمودن یک واقعه و یا یک نظریه نه سنگ‌نوشته‌ای موجود بوده و نه لوح گلی و نه تاریخ مدوّن، نه افسانه‌ای و نه اسطوره‌ای، نویسنده به کمک تسلط بر ادبیات کلاسیک ایران، این خلأ را پُر نموده است و روح خواننده را با نظمی و نثری و یا طنزی تلطیف کرده و خستگی معمول از خواندن کتاب‌های قطور علمی را زدوده است.

هرچند نام کتاب **تاریخ حقوق ایران** است، اما باید گفت، تاریخ حقوق ایران، تاریخ سیاسی و ادبی سرزمین کهن‌سال ماست، به‌طوری که کتاب از زمان استقرار نخستین اقوام ساکن در سرزمین ایران، عیلامی‌ها، شروع می‌شود و تا تشکیل دولت ماد و هخامنشی و ساسانیان و سپس سلطه‌ی اعراب و مغولان و ایلخانیان و تشکیل سلسله‌های ایرانی در مناطق مختلف و کل ایران و در ضمن بررسی اوضاع اجتماعی، سیاسی، دینی وضعیت حقوقی و قانون، در همه‌ی



✦ دکتر اسدالله مرتضوی

مدیر و سردبیر ماهنامه‌ی جهان اندیشه

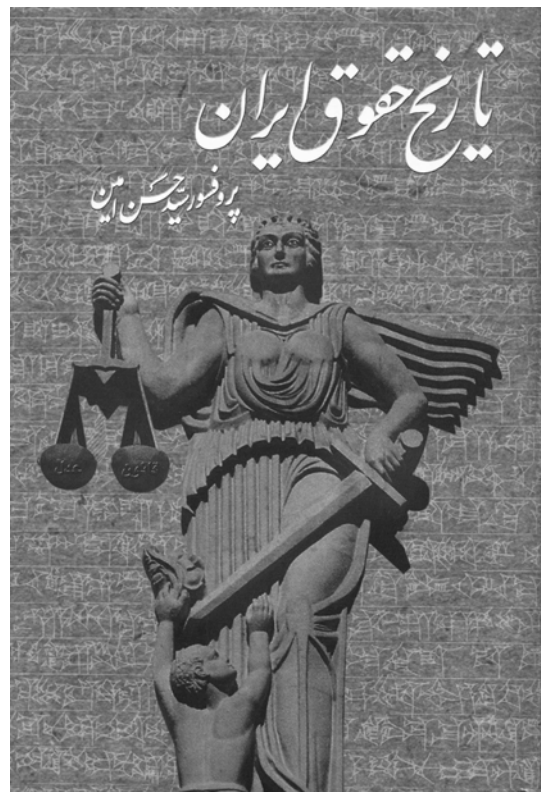
حاشیه‌ای بر کتاب

تاریخ حقوق ایران

حوزه‌های حقوق عمومی و خصوصی، سازمان‌های قضایی، آیین دادرسی و داوری، ازدواج و طلاق و خانواده، حقوق مالی و اداری و جزایی، با ذکر انواع بزه‌ها و کیفرها، حتا با ذکر نام قاضیان و خاطیان ادامه می‌یابد. از محاکمه‌ای در ۱۵۷۰ قبل از میلاد در شوش بر سر قطعه زمینی بین دو برادر از یک‌سو و شخص ثالثی از سوی دیگر با ذکر نام و مشخصات طرفین دعوا و قضات و هیأت داوران شروع می‌کند. سپس ادامه می‌دهد: محاکمه و محکومیت «سیامنس» قاضی منصوب کمبوجیه، وضعیت حقوق و قانون در زمان سلطه‌ی اعراب، شرح چه‌گونه‌ی محاکمه‌ی افشین در زمان عباسیان و یا ذکر نمونه‌های جالبی از قضاوت‌های قاضی بلخ که تمثیل: گنه کرد در بلخ آهنگری / به شوستر زندگین‌گیری، هنوز در ذهن ایرانیان باقی است. سرگذشت حسنک وزیر و محاکمه‌ی مفصل او در زمان غزنویان و به

پرفسور حسن امین و توانایی ایشان به استفاده از اسناد و مدارک به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی و در همه‌ی زمینه‌های تاریخ و حقوق و ادبیات و فلسفه، به ایشان این جسارت را داده تا یک‌تنه، اثری به این بزرگی را پدید آورند. مسلماً شناخت بیش‌تر مؤلف در کنار هزاران منبع و مأخذ و مدرک و سند برای خواننده‌ی کتاب این اقتناع را به‌وجود می‌آورد که آنچه را می‌خواند کاری است علمی و جامع. مؤلف حقوق‌دان است، چون هم در ایران تحصیل علم حقوق نموده و هم در انگلستان و دارای درجه‌ی دکتری حقوق بین‌الملل از این کشور است، به‌علاوه استاد صاحب کرسی (پروفیسور) علم حقوق و وکیل دعوی با حق وکالت در مجلس لردان انگلیس، هم‌چنین پژوهشگر ادبیات، تاریخ، فلسفه و ادیان است و تاکنون نزدیک ۵۰ کتاب و صدها مقاله از او در خصوص حقوق، تاریخ، فلسفه و ادبیات در ایران و سراسر جهان به‌چاپ

آتهام قرمطی شدن حسنک، محاکمه‌ی سید علیمحمد باب در عهد قاجار و ارتداد کسروی و آزادی قاتل او حسین امامی بنابر نظر هیأت دولت که او را مرتد ملی [منظور مرتد فطری است] دانست. البته اقتضا می‌کرد که مولف در این خصوص اظهارنظری می‌نمود که مرتد ملی و فطری چه صیغه‌ای است و اصولاً ارتداد با ملیت چه سنخیتی دارد. آیا یک دولت لائیک، چه‌گونه می‌تواند فتوای ارتداد صادر یا تأیید نماید و جایگاه حقوقی چنین فتوایی در نظام حقوقی آن زمان ایران چه بوده است؟ و اگر منظور از «ملی» همان برداشت علما در زمان مشروطیت است که معنا و مفهوم آن شریعت بوده، با توجه به فاصله‌ی زمانی حکم و انقلاب مشروطیت و نگرش نوین به مفهوم «ملی» که معادل همان Nation است، دولت وقت چه‌منظوری از کاربرد ارتداد فطری و ملی داشته است!!؟



پروفیسور امین سعی دارد به کمک مدارک و اسناد و سنگ‌نوشته‌ها و منابع تاریخی و ادبی و دیوانی و قضایی در دوران‌های مختلف، ثابت نماید که در همه‌ی ادوار، در ایران، یک نظام حقوقی مدون وجود داشته و همین امر مرز میان تمدن و توحش را مشخص می‌سازد. اما این قوانین و حقوق الهی یا موضوعه، همواره به‌دست واضعین مانند شاهان و امیران یا جهت حفظ و صیانت از بقای خود نقض و یا توسط حافظان دین تفسیر به رأی شده است و البته حاصل آن در طی چند هزار سال به مسلخ فرستادن عدالت بوده برای بقای دین و دولت.

آن‌چه که باید تحلیل و گفته می‌شد، این است که اگر کوروش بنیان‌گذار حقوق بشر در دو هزار و پانصد سال پیش است و اگر قوانین داریوش، هزار سال بعد، پایه‌ی کار قانون‌گزاران روم از جمله ژونینین امپراطور بیزانس (۵۲۷-۵۶۵ م.) قرار می‌گیرد، و در حوزه‌ی حقوق اداری و مالی سیستم اداری و حقوقی عصر ساسانی تا مدت‌ها مورد تقلید اعراب قرار می‌گیرد و اگر عصر خلفای عباسی، دستگاه قضایی در هر شهر دارای تشکیلات وسیع متشکل از حداقل بواب، معرف، نایب، کاتب، عوان، امین، عدول، مزکی، معذل، مترجم، مسمع و غیره برای یک محاکمه‌ی ساده بوده و با این فرضیه که مولف در مقدمه‌ی کتاب خود متذکر می‌گردد که «با مطالعه‌ی تطبیقی می‌توان وجوه اشتراک و مشابهت نظام‌های حقوقی، قضایی و مالی‌های عمومی در شرق و غرب جهان را تشخیص داده و به اصل وحدت تمدن‌های بشر رسید»، چه‌گونه است که در این قسمت از جهان با آن سابقه در تدوین و اجرای قوانین و مشابهت آن با سایر جوامع غربی هم‌سنگ چون روم و یونان، جامعه‌ی ما در استقرار حتماً حقوق اولیه و فطری انسان و حقوق بشر وامانده و درمانده است؟! آیا منشأ الهی حقوق در منطقه‌ی ظهور ادیان یعنی خاورمیانه و نه منشأ زمینی حقوق و قوانین موضوعه در کشورهای چون روم و یونان و سپس کل اروپا که توسط مجالس مردمی و عرف و آداب وضع و اجرا شده، در این مهم بی‌تأثیر نبوده است؟ وحدت دین و دولت یا حکومت‌های سزار و پاپیسم از ابتدای تشکیل سرزمین و دولت در ایران تا فروپاشی خلافت عباسی و استقرار حکومت مغولان و جایگزینی یاسای چنگیزی به‌جای قانون شریعت و سپس استقرار مجدد قوانین شریعت، سبب شده که حقوقی که از طرف شاهی و شیخی تفویض یا تفسیر شده، هر زمان هم آن‌ها بخواهند گرفته شده، یا تفسیر به رأی شده و مردم هم چاره‌ای نداشته‌اند جز تمکین به حقوق انحصاری شاهان در وتوی قوانین خودساخته و وعاظ‌السلطین در تفسیر شریعت به نفع سلاطین که در هر دو صورت قانون آن بوده که خان بخواهد.

به هر حال، کتاب **تاریخ حقوق ایران** هم‌چنان که خود پاسخ‌گوی بسیاری از سوالات و استفسارات است، خود سوالات بسیاری را هم مطرح و متبادر به ذهن می‌نماید. در انتهای کتاب، علاوه بر حدود ۵۰ صفحه منبع مأخذ، نامه‌ی حضرت محمد (ص) به خسرو پرویز، شاهنشاه ساسانی، نامه‌ی حضرت امام علی (ع) به فرماندار آذربایجان، نامه‌ی امام علی به مالک‌اشتر به دو زبان عربی و فارسی و هم‌چنین اعلامیه‌ی حقوق بشر کوروش و اسناد دیگری هم ضمیمه شده که به غنای کتاب کمک فراوانی نموده است.

کتاب **تاریخ حقوق ایران** علاوه بر امکان استفاده‌ی علمی و تخصصی برای دانش‌پژوهان علوم انسانی، برای مطالعه‌ی اشخاص عادی هم مفید فایده می‌باشد. ■

و بالاخره محاکمه‌ی سرپاس مختاری با وکالت کسروی و محمدکاظم جهانسوزی، متهم به دخالت در قتل سیدحسن مدرس و محاکمه‌ی گروه ۵۳ نفر ارانی، اعدام گروه ۹ نفری بیژن جزنی، علی‌رغم پایان محکومیت آن‌ها در تپه‌های اوین در سال ۱۳۵۴ به‌دست عطاپور و سرهنگ وزیری، توأم با خاطرات شخصی مؤلف از زندانیان سیاسی در ۱۳۵۲ که خود در آن زمان دادیار زندان بوده تا عدم محاکمه و رهایی امریکاییان که در ایران مرتکب جرایمی شده بودند، اما در پناه قانون کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، بدون کیفر رها شدند. این‌ها تعداد انگشت‌شماری بود، از جریان محاکمات مهم از عهد عتیق تا عصر نوین که در کتاب **تاریخ حقوق ایران** ذکر شده و علاوه بر مستند نمودن کتاب، باعث ترضیه‌ی خاطر خواننده هم می‌شود.